

The Theory of Breaking Idols, Extracted from the Life of Ibrahim (AS) in the Qur'an and Explaining its Use and Position in Islamic Art through Grounded Theory Approach

Reza Rafiei Rad*

Ph.D Student of Islamic Arts, Faculty of Islamic Crafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Mehdi Mohammad Zadeh

Professor of Islamic Arts, Faculty of Islamic Crafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Abstract

Imitation and import of methods of producing works of art and the basics of art to Islamic civilization from other civilizations that rely on the theoretical foundations of those civilizations, in the contemporary era, has led to the mass production of works with different characteristics, and sometimes contradictory to the intellectual foundations of Islamic thought. The purpose of this study is to take the first steps to present a theory based on the Qur'an and the way of thinking of Ibrahim (AS), which meets some of the functional and theoretical needs of artists in the Islamic world. Ibrahim (AS) in the Qur'an, as a historical figure, is introduced with five unique characteristics and overseeing his rationality and jurisprudence, such as intellectual development before prophecy, a good role model for believers, the possessor of insight, the possessor of a healthy and flawless heart and the observation of the kingdom of heaven and earth has been presented. Also, the opponents of his arguments are idiots and fools. The question is, how can a theory based on the Abrahamic scientific way of thinking be constructed using the data-based approach? The present research is of qualitative type and has been done using Grounded theory method. After collecting all the data and performing open, pivotal and selective coding, while finding the answers, the mechanism of thinking of Ibrahim (AS) as a rational process, which creates new criteria based on the frequent critique of previous criteria, as the theory of "breaking idols" was expressed and its function in art was determined. Then the similarities and differences of this theory and critical thought that emerged in the context of subjectivism

and the basis of modern art from Greenberg's point of view were introduced and the limits of human thought in Islamic thought were stated. Also, the absence of any discrepancy or contradiction of this theory with the principles, constants and unchangeable and eternal things that are necessary in the creation of traditional art, and in the heart of that religious art, was examined and determined. As a result, the mechanism of production and promotion of new criteria for creating new products based on successive criticisms in the context of the distance between servitude and lordship was explained based on this theory. By dividing the world into the cognizant object and subject on the basis of the primacy of existence over nature, critical thought is allowed in the field of empirical science, relying on inductive reasoning, to critique the self-made criteria of the subject's mind indefinitely, thereby constructing new criteria. But in the theory of breaking idols, criticisms are made of the criteria in the human mind that move between servitude and lordship. This theory views man as the Caliph of God, who considers the infinite extent of the monotheistic world to be genuine, and at the same time, by building and breaking idols in the world of multiplicity, it prepares the ground for understanding the monotheistic world. It also provides a practical way to produce and critique existing works and past artistic values in conjunction with traditional art concepts

Keywords: "Ibrahim (AS) in the Quran", "Islamic Art", "Production of Artwork", "Worship and Lordship", "Critical Thinking".

* Email (corresponding author): r.rafeirad@tabriziau.ac.ir

نظریه کسر اصنام، مستخرج از زندگی ابراهیم(ع) در قرآن و تبیین کاربست و جایگاه آن در هنر اسلامی، با رویکرد نظریه داده بنیاد^۱

رضا رفیعی راد *

دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

مهدی محمدزاده

استاد گروه هنر اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

تقلید و واردات شیوه‌های تولید آثار هنری و مبانی هنر از تمدن‌های دیگر، که بر مبانی نظری آن تمدن‌ها متکی است، به تمدن اسلامی، در دوران معاصر، سبب تولید انبوهی از آثار، با ویژگی‌های متفاوت و گاهی متناقض با مبانی فکری اندیشه اسلامی گردیده است. هدف پژوهش حاضر، برداشتن نخستین گام‌ها، برای ارائه یک نظریه، مبتنی بر قرآن با تکیه بر شیوه تفکر ابراهیم(ع) است که برخی نیازهای کارکردی و نظری هنرمندان جهان اسلام را مرتفع می‌گرداند. ابراهیم(ع) در قرآن، به عنوان شخصیت تاریخی، با پنج ویژگی منحصربه‌فرد و ناظر بر عقلانیت و تفقه او، یعنی رشدیافتگی فکری پیش از نبوت، الگوی خوب برای مؤمنان، صاحب‌بیش، صاحب‌قلب سلیم^۲ و مشاهدۀ ملکوت آسمان و زمین معرفی شده و مخالفان استدلال‌های او نیز، سفیه و کم‌عقل خطاب شده‌اند. پرسش این است که چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد داده بنیاد، نظریه‌ای مبتنی بر شیوه تفکر علمی ابراهیمی بنا نهاد؟ پژوهش حاضر از نوع کیفی است و با استفاده از روش تئوری داده بنیاد به انجام رسیده است. پس از جمع‌آوری کلیه داده‌ها و انجام کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ضمن یافتن پاسخ‌ها، مکانیزم تفکر ابراهیم(ع) به عنوان فرآیندی عقلانی، که بر اساس نقد مکرر معیارهای پیشین، معیارهای جدید خلق می‌کند، با عنوان نظریه «کسر اصنام^۳»، استخراج شده و کارکرد آن در هنر را مشخص شد. سپس به شباهت‌ها و تفاوت‌های این نظریه و اندیشه انتقادی که در بستر سوبژکتیویسم به وجود آمده و مبنای هنر مدرن از منظر گرینبرگ معرفی گردیده، پرداخته است و حدود و ثغور گسترۀ اندیشه انسانی در تفکر اسلامی بیان شد. همچنین نبود هرگونه تناقض یا تناقض این نظریه به اصول، ثوابت و امور لایتنیر و لایزالی که در خلق هنر سنتی، و در قلب آن هنر دینی، ضروری هستند، بررسی و مشخص شد و در نتیجه، مکانیزم تولید و ارتقای معیارهای جدید برای ایجاد محصولات جدید بر اساس نقدهای پیاپی در چارچوب فاصله عبودیت و ربوبیت، بر اساس این نظریه تبیین گردید.

واژگان کلیدی:

«ابراهیم(ع) در قرآن»، «هنر اسلامی»، «تولید اثر هنری»، «عبودیت و ربوبیت»، «اندیشه انتقادی».

در کتاب عهد قدیم، اگرچه به مکانیزم تفکر علمی ابراهیم (ع) اشاره‌ای نشده، در جای جای آن، حکمت^۲، واژه‌ای پرتکرار و بسیار پرمعناست و در مفاهیمی نظیر دانش، تجربه، هنر و صنعت به کار رفته است. حکیم در مجموعه عهد قدیم، به معناهای صنعتگر چیره‌دست و هنرمند ماهر و خبره نیز خوانده شده است (Exodus, 36: 8). همچنین، در این کتاب، به دانش و تجربه فرد حکیم اشاره شده است. چنانکه حکیم در عهد قدیم، انسانی است که جهان و سرنوشت انسانی را شناخته است و دیگران را در تجارب خویش سهیم می‌گرداند (Jacobs & Lovis, 1995, p.588). علاوه بر آن، حکمت به هوشمندی (Samuel, 14: 2) تعبیر شده و محصول آن، زندگی کردن به شیوه درست و صحیح (Proverbs 3: 13-17) است. حتی خداوند نیز به حکمت خود زمین را بنیاد نهاده و به عقل خویش آسمان را برقرار ساخته (Proverbs 3:19) و حکمت، نقش معمار را در آفرینش جهان ایفا می‌کند (Ibid, 30,8). بنابراین، در عهد قدیم، دانش، عقلانیت و تجربه در قالب واژه حکمت، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. ابراهیم (ع) شخصیتی تاریخی در سده بیستم قبل از میلاد است که نه تنها زعیم قبیله‌اش، عبری‌ها، بوده بلکه طایفه‌اش چنان برجسته و شاخص بوده‌اند که حکایات و روایات بسیاری در مرکزیت وجود آن‌ها فراهم شده است (Nass, 1354, p. 329). در واقع، او نیای سه دین بزرگ جهان معاصر محسوب می‌شود. زندگی و سرگذشت ابراهیم (ع) در عهد قدیم، در پیدایش^۳ بیان شده است. اما در قرآن، علاوه بر شرح مختصر زندگی او، نکات قابل تأملی در زمینه ساختار اندیشگی او بیان شده که در عهد قدیم یافت نمی‌شود و قابلیت‌های بالقوه‌ای برای استخراج مبانی نظری هنر دارد. توجه به واردات انبوهی از مکاتب و تکنیک‌های هنری در دوران معاصر به جهان اسلام، و عدم امکان هم‌کناری مبانی بسیاری از آن‌ها با مبانی اسلامی، بر لزوم ایجاد نظریه‌ای مستخرج از قرآن، که به کارگیری آن سبب ارتقای تولیدات هنری و مبانی نظری هنر شود، تأکید می‌نماید. هدف پژوهش حاضر بررسی این شیوه اندیشیدن و استخراج نظریه و بیان کارکرد آن در تمامی شئون جهان اسلام به‌ویژه هنر آن است.

نیازهای انسانی عصر ابراهیم (ع) از زبان او، در قالب چهار مورد: نیاز به راهنما (شعرا: ۷۸) غذا و آشامیدنی (شعرا: ۷۹) درمان بیماری (شعرا: ۸۰) مرگ و زندگی (شعرا: ۸۱) بیان می‌شود. مطابق آیات قرآن، در سرزمین ابراهیم (ع) دو شیوه تفکر وجود داشت که مردم برای رفع نیازهایشان به آن متوسل می‌شدند. شیوه اول، تقلید و پیروی بی‌چون و چرا از میراث فکری پیشینیان بود که در پنج سوره قرآن به آن اشاره شده است^۴، این نحوه تفکر، شیوه‌ای ایستا، لایتغیر و غیرقابل نقد را به مردم ارائه می‌داد. طرفداران این شیوه تفکر، وقتی در مقابل پرسش ابراهیم (ع) قرار می‌گرفتند که چرا برای رفع نیازهایتان، به سنگ‌ها و چوب‌هایی متوسل می‌شوید که تأثیری در بهبودی زندگی‌تان ندارند، در پاسخ می‌گفتند که این روش نیاکان ما بوده و ما به همان روش عمل خواهیم کرد.^۵ اما روش دوم، روش تفکر ابراهیم (ع) است که برخلاف

شیوه مذکور، به شدت انسان‌گرایانه، غیرایستا و متکی بر تجربه و آزمون بوده و محصول فرآیندی عقلانی و در چارچوب عبودیت است. اساساً، ابراهیم (ع) پس از مطرح کردن نیازهای خود در برابر خداوند^۶، از او طلب «حکمت» می‌کند. چراکه کسب حکمت و عقلانیت را برای رفع نیازهای زندگی ضروری می‌داند و تفکر پیشینیان را کافی ندانسته بلکه حتی بر آن‌ها نقد نیز روا می‌دارد. در قرآن، ابراهیم (ع)، پس از افول ستاره، از پرستش آن دست می‌کشد تا معیاری برتر برای پرستش بیابد. سپس ماه را معیار قرار می‌دهد و پس از افول، از پرستش آن نیز دست می‌کشد تا معیاری برتر بیابد. این سیر دائمی تفکر و نقد، در اندیشه فردی که در سده بیستم قبل از میلاد می‌زیسته است، موضوعی مهم و در خور توجه است. پنج نکته در قرآن وجود دارد که بر این امر تأکید می‌کند. اول، اینکه قرآن ابراهیم (ع) را دارای رشد فکری و نیروی شناخت، پیش از نبوت معرفی می‌کند (انبیاء: ۵۱) که برخی مراد از رشد را «رسیدن به واقعیت» (Tabarsi, 1998, p. 268) معنا نموده‌اند. نکته دوم، اینکه خداوند از مؤمنان می‌خواهد که ابراهیم (ع) را الگوی خود قرار دهند، زیرا او «اسوه حسنه» است (ممتحنه: ۴ و ۶). نکته سوم، اینکه او را دارای بینش و بصیرت (سوره ص، آیه ۴۵ و ۴۶) و چهارم، اینکه او را دارای قلب سلیم (صافات: ۸۴-۸۵) معرفی می‌نماید و چنانکه در ادامه نشان داده خواهد شد؛ مرکز تعقل در قرآن، قلب است. همچنین هرکس که با استدلال‌های او مخالفت کرده، «سفیه» و کم‌عقل (بقره: ۱۳۰) توصیف نموده است. حال پرسش این است که منظور از رشد فکری ابراهیم (ع)، که پیش از نبوت به آن دست یافته بود، چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ چرا از نظر قرآن، ابراهیم (ع) فردی دارای بصیرت و بینش معرفی شده و مبانی این بصیرت و بینش چیست؟ چرا قرآن، ابراهیم (ع) را الگوی خوب، برای مؤمنان در همه اعصار معرفی می‌نماید؟ همچنین چرا او را دارای قلب سلیم دانسته و چرا مخالفان او را نادان معرفی نموده است؟ و در آخر اینکه، چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد، نظریه‌ای مبتنی بر شیوه ابراهیمی بنا نهاد؟ پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها نشان خواهد داد که ابراهیم (ع) به شیوه‌ای تجربه‌گرایانه و مبتنی بر آزمایش، بر مبانی عبودیت، در جهان‌بینی توحیدی، شیوه نوینی از تفکر را در عصر خود بنیان نهاده که هنوز هم دارای کارکردهای مفید و ضروری است. و سپس، بر پایه این شیوه تفکر، نظریه‌ای مستخرج از قرآن شکل خواهد گرفت که می‌تواند در بسیاری از شئون تمدن اسلامی علی‌الخصوص هنر جهان اسلام مورد استفاده قرار گرفته، و با نقدهای مکرر در چارچوب عبودیت و ربوبیت، به مبانی بومی، و تأسیس معیارهای جدید (در همان چارچوب)، از عمل سهل‌الوصول واردات علوم انسانی جلوگیری نماید. از آنجاکه این نظریه، ناظر بر شکست‌پای معیارهاست، عنوان «کسر اصنام» بر آن نهاده شده است. پس از آن، به تفاوت‌های این نظریه و کارکرد آن در هنر، با کارکردهای اندیشه انتقادی در مدرنیسم و هنر مدرن خواهیم پرداخت. سپس نشان داده خواهد شد که نظریه کسر اصنام، برای ارتقای نظری و عملی هنر جهان اسلام و نیز در ذیل هنر سنتی و در قلب آن، هنر دینی قرار دارد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی ناظر بر آسیب‌شناسی عقلانیت در جهان اسلام وجود دارند. از این جمله می‌توان به پژوهش‌های محمد شحرور اشاره کرد که در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ در قرآن، به تفکیک «عقل علمی» و «عقل ارتباطی»^{۱۰} پرداخته (Shahrour, 1990, p. 325) و از «بحران عقل» در دوران اولیه، به‌خصوص، دوران اموی و عباسی سخن می‌گوید. او عدم تمیز عقل علمی از عقل ارتباطی و مجاز دانستن عقل ارتباطی، به‌عنوان تنه‌ها نوع عقلانیت دینی (Shahrour, 1994, p. 224) را علت این بحران می‌داند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فعالیت ذهنی ابراهیم(ع) ناظر بر کارکرد عقل علمی در شئون زندگی بوده و عقلانیت در خاندان ابراهیمی اهمیت قابل توجهی داشته است. تاکنون پژوهشی که مکانیزم بنیادهای فکری ابراهیم(ع) را به حوزه نظریه آورده باشد، انجام نشده است. پژوهش حاضر، با مقولاتی نظیر هنر مدرن، اندیشه انتقادی و رابطه‌اش با آن و هنر سنتی در ارتباط است. به دلیل شباهت‌هایی که بین مکانیزم نظریه کسر اصنام و اندیشه انتقادی وجود دارد، لاجرم، باید پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت‌ها مشخص شود. پژوهش‌هایی در داخل کشور اعم از مقاله و پایان‌نامه انجام شده است که اندیشه انتقادی را در قرآن (و دیگر متون دینی) جست‌وجو نموده و سعی دارند مصداق‌ها و ویژگی‌های اندیشه انتقادی در قرآن را یافته و بیان کنند. پژوهش حاضر، وجود هرنوع اندیشه انتقادی را که محصول سوژکتیویسم است، در ادیان توحیدی مردود می‌داند. در ادامه، به بررسی آن‌ها و نشان دادن ایرادها و اشکال‌های آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف) پژوهش‌هایی که به زندگی و شیوه تفکر حضرت ابراهیم(ع) در قرآن پرداخته‌اند:

مقاله با عنوان هدف شناسی اقناع در تربیت با تأکید بر داستان حضرت ابراهیم(ع) در قرآن، به بررسی شبهه‌شناسی اقناع در رفتار ابراهیم(ع) می‌پردازد که در آن، ابراهیم(ع) با ویژگی‌هایی چون تناوب پیام و حسن خلق، با شیوه‌هایی چون قرار گرفتن در جایگاه پرسشگر، گفت‌وگو، پاسخ‌طلبی، رشدیافتگی و بت‌شکنی، واژه‌آفرینی و خلاقیت در عمل، در جهت اهداف جذب مخاطبین، ایجاد شک، کاهش مقاومت، تحریک فکر و عقل، از اقناع استفاده می‌نماید (Halimi Jolodar et al, 2014, p. 7).

مقاله با عنوان «مبانی نظری بیداری اسلامی در قرآن کریم با رویکردی بر قصه حضرت ابراهیم(ع)» در تلاش است، «با استناد بر قرآن، مبانی نظری بیداری اسلامی را از لایه‌لای حرکت حضرت ابراهیم(ع) به‌دست آورد و آن را در قالب انسان‌شناسی، جهان‌بینی، منطقی‌اندیشی، صداقت‌پیشگی، گفت‌وگو و مداراوری» (Morvati et al, 2013, p. 79) استخراج نماید. این پژوهش، فاقد ارائه یک نظریه منسجم مستخرج از اشارات قرآن به ابراهیم(ع) است.

مقاله با عنوان «ابراهیم(ع) و خاندانش در تورات و قرآن»، شباهت‌ها و تفاوت‌های نگاه تورات و قرآن را نسبت به او نشان می‌دهد. تفاوت در معنای عهد (مالکیت نیل تا فرات-امامت) و

ذبیح (اسحق -اسماعیل)، از نتایج این پژوهش است (Taheri, 2009, p. 216).

مقاله رضایی هفتاد و همکاران، به تحلیل انتقادی آرای خاورپژوهان در تفسیر زندگی انبیایی مانند ابراهیم(ع) می‌پردازد، و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اشکالات موجود در این آراء، به دلیل استفاده آن‌ها از منابعی مانند قصص الانبیای کسائی، قصص طوفی اندلسی و عرائس المجالس است که در آن‌ها به اسرائیلیات استناد شده است (Rezai Haftadar et al., 2016, p. 161).

مقاله عبدی و همکاران به بررسی شیوه طرح‌افکنی داستان ابراهیم(ع) در قرآن می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که طرح داستانی، دارای مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، ایجاد معما و تعلیق پی‌درپی، در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنش‌ها و وحدت حوادث و یک‌دستی روایت در حادثه‌پردازی در کل داستان است (Abdi et al., 2017, p. 170).

ب) پژوهش‌هایی که به جست‌وجوی اندیشه انتقادی در متون دینی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها، بنیادهای سوژکتیویسم در تعاریف «اندیشه انتقادی» و مغایرت آن با بنیادهای تفکر دینی را نادیده می‌گیرند. این پژوهش‌ها، به امکان یا عدم امکان هم‌کناری گزاره‌های دینی با مؤلفه‌های اندیشه انتقادی توجه نمی‌کنند. اما، پژوهش حاضر، تاریخچه و تعاریف اندیشه انتقادی را در بستر عصر روشنگری و مبانی مدرنیسم، به‌صورتی همه‌جانبه در نظر می‌گیرد و حدود امکان هم‌کناری آن را با گزاره‌های ادیان ابراهیمی از نظر دور نمی‌دارد:

پایان‌نامه با عنوان «بررسی اصول تفکر انتقادی در داستان‌های قرآن کریم» نوشته زهرا کاظمی در سال ۱۳۹۲، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، این پایان‌نامه، در حوزه روان‌شناسی به مسئله «تفکر انتقادی» در قرآن می‌پردازد. تعریف نگارنده این پایان‌نامه از کلیدواژه تفکر انتقادی، برگرفته از تعاریف سازمان بهداشت جهانی به‌عنوان یکی از ده «مهارت زندگی»^{۱۱} است. بدین معنا، تفکر انتقادی، فرآیندی نظام‌دار است که فرد به‌طور فعال به مفهوم‌سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزیابی اطلاعات گردآوری‌شده یا تولیدشده می‌پردازد و از طریق مشاهده، تجربه، تأمل، استدلال به‌سمت باور و عمل پیش می‌رود. این امر به کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستی‌ها منجر می‌شود.^{۱۲} فرضیه این پایان‌نامه این است که «قرآن کریم نه‌تنها این دیدگاه را رد نمی‌کند بلکه آن را مورد تأیید قرار می‌دهد و از نشانه‌های خردورزان قرار می‌دهد.» این پژوهش، در ادامه به بررسی تفکر انتقادی در قصص قرآنی حضرت آدم(ع)، حضرت صالح(ع)، حضرت یوسف(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت سلیمان(ع) می‌پردازد. همچنین به داستان پرستش ماه در داستان ابراهیم(ع)، اشاره بسیار کوتاهی می‌کند (Kazemi, 2013, pp. 6-15).

پایان‌نامه با عنوان «مقایسه مفهوم و مؤلفه‌های تفکر انتقادی از دیدگاه متفکران غربی با مفهوم تفکر در قرآن و دلالت‌های تربیتی این دو در حوزه تربیت‌دینی». این تحقیق نیز، اندیشه انتقادی را در حوزه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت در قرآن مورد بررسی قرار می‌دهد. علی‌رغم اینکه در چکیده، تفکر قرآنی را همان تفکر انتقادی



معرفی می‌کند، اما در فصول بعدی، مؤلفه‌های «تفکر قرآنی» را در سیزده مورد و مؤلفه‌های تفکر انتقادی از دیدگاه متفکران غربی لیمن (۱۹۸۴)، انیس (۱۹۸۱) مکپک (۱۹۸۱)، نلسون (۲۰۰۱)، پل (۲۰۰۵)، مور و پارکر (۲۰۰۳)، را در ۲۶ مورد از هم تفکیک می‌کند (Javadi, 2011, pp. 39-40). طبیعتاً تفاوت‌هایی که در این موارد سیزده‌گانه و بیست‌وشش‌گانه وجود دارد، سبب می‌شود که ادعای مطروحه در چکیده مورد خدشه قرار گیرد.

در پایان‌نامه با عنوان «تفکر انتقادی از منظر قرآن و روان‌شناسی»، مزایا و معایب تفکر انتقادی از منظر قرآن بیان شده است. مدعای این پژوهش نیز این است که نه تنها مفاهیم اصلی تفکر انتقادی در راستای نظریات قرآن است بلکه اساساً اولین هدف اصلی قرآن، نهادینه کردن تفکر انتقادی در انسان است. همچنین قرآن کتاب تفکر انتقادی است (Azerbaijani, 2011, p. 235).

مقاله با عنوان «ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)»، ابتدا ویژگی‌های اندیشه انتقادی از منظر متفکران غربی را مطرح می‌کند و سپس با نیم‌نگاهی به قرآن، ویژگی‌هایی آن را از منظر حضرت علی(ع) در موارد تدبیر، استدلال بر مبنای قضایای پیشین، خودسنجی، تفکر واگرا، پرسش‌گری، توجه به آرای مختلف و توجه به شک و تردید راهبردی (Mahmoudi et al, 2011, pp. 93-97) برمی‌شمارد. این مقاله، با یکسان‌انگاری اندیشه در منظر امام علی(ع) و قرآن با مفهوم اندیشه انتقادی در آرای متفکران غربی، هیچ تعریفی از اندیشه انتقادی از منظر قرآن و امام علی(ع) ارائه نمی‌دهد.

ج) پژوهش‌هایی که به رابطه میان اندیشه انتقادی و هنر پرداخته‌اند:

گرینبرگ در دو مقاله «نقاشی مدرن»^{۱۳} (۱۹۶۰) و «مدرن و پست‌مدرن»^{۱۴} (۱۹۸۰) بنیادهای هنر مدرن را تشریح نموده‌است. از نظر او، اندیشه انتقادی باید همه تأثیراتی را که از مِدیوم دیگر وارد مِدیوم این هنر خاص می‌شود، حذف کند که این کنش اندیشه انتقادی به‌عنوان رد محتوای مِدیوم‌های دیگر، باعث خلوص اثر هنری می‌شود و سپس خلوص، سبب‌ساز استقلال هنر خواهد شد (Greenberg, 1962: 5-1) و (Greenberg, 1980, pp. 64-66).

مقاله با عنوان «تأثیر تفکر دکارت در ظهور نظریات جدید هنر» نوشته شهرام پازوکی، پس از تبیین معنای سوژکتیویسم، به بازنمایش^{۱۵} بودن معرفت، به آثار سوژکتیویسم در هنر و زیباشناسی (Pazuki, 2002, pp. 100-107) پرداخته است.

مریم جمالی در مقاله «تأثیر نقد قوه بر نظریه فرمالیسم کلمنت گرینبرگ» تأثیرات نظریه کانت را در مبانی نظری گرینبرگ درباره نقاشی مدرن مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که رویکرد گرینبرگ به نقد و داوری زیباشناختی دارای دو بعد معرفتی که ریشه در نقد اول کانت دارد و به نقادی درونی معطوف است و بعد دیگر جنبه‌های زیباشناختی اثر را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد (Jamali, 2013, p. 50).

مقاله با عنوان «اندیشه انتقادی»^{۱۶} بیان می‌دارد که اثر هنری، باید مرتباً مخاطب را به وضعیتی جدید حمل کند. قواعد، اموری

شکستی هستند و کانال‌های بصری و محتوایی اثر هنری همواره باید باز باشند (Kahlich, 1983, p. 73).

مقاله با عنوان «اندیشه انتقادی درباره آموزش هنر و زیبایی‌شناسی» ضمن بررسی اندیشه انتقادی، به بحث در زمینه چگونگی انطباق تئوری «حل مسئله» بر فائق آمدن به مشکلات تئوری‌های هنر و زیبایی‌شناسی می‌پردازد و کارکردهای آن را در هنر و آموزش هنر نشان می‌دهد (Marshall, 1972, pp. 15-16).

۲. رویکرد پژوهش

سه رویکرد اصلی در تبیین ساخت نظریه از منابع دینی تاکنون عنوان شده است. رویکرد اول، رویکرد استنباطی و بر دین‌شناسی دانش‌نامه‌ای استوار است و در این رویکرد، دین، شامل تمامی علوم بوده و مطالعه دقیق متون دینی، هر علمی را می‌توان استخراج کرد. رویکرد دوم، رویکرد امضایی است که هدف آن، اسلامی‌کردن علوم جدید از طریق اعمال اصلاحات، حذف یا اضافه نمودن بخش‌هایی از آن و یا تحمیل تفاسیر شخصی بر متون دینی، به هر صورت تأییدی دینی آن را اخذ نموده و با حذف تنازعات میان علوم و دین، امکان هم‌کناری آن‌ها را برقرار نماید. در رویکرد تأسیسی، همه علوم ریشه در دیدگاه فلسفی داشته و باید از ناحیه متون دینی، گزاره‌هایی را سامان داد که مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی دینی بوده و به‌طور مستقل در علوم مختلف، تئوری‌پردازی نموده و آزمون نمود. بنابراین، در این رویکرد، فرضیه‌های ملهم از ایده‌های دینی، به محک آزمون زده می‌شوند نه ایده‌های دینی. برخی از این فرضیه‌ها، خطا و برخی دیگر مطابق شاهد تجربی هستند (Bagheri, 2003, p. 250). در پژوهش حاضر، رویکرد تأسیسی، مدل جدید بومی و برگرفته از مهم‌ترین متن دینی اسلامی طراحی گردیده است.

۳. روش پژوهش

این مقاله از نوع کیفی و با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به انجام رسیده است. این روش، در دهه ۱۹۷۰، در تقابل با نگاه غالبی به وجود آمد که معتقد بود مطالعات کمی، تنها شکل پژوهش علمی نظام‌مند هستند و با قابلیت که داشت، پژوهش‌های کیفی را نیز، به‌عنوان شکلی از پژوهش علمی، شکوفا نمود (Charmaz, 2000, p. 590). این روش نظریه‌پردازی، یک روش استقرایی در کشف نظریه است که امکان می‌دهد تا گزارشی نظری از مشخصات عمومی موضوع پرورش دهد. در حالی که پایه این گزارش‌ها را به‌مثابه مشاهدات تجربی داده‌ها محکم می‌سازد (Fernandez, 2004, p. 84)؛ (Martin & Turner, 1986, p. 141). روالی نظام‌مند و کیفی که سرانجام به نظریه‌ای ختم می‌شود که یک فرآیند، کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی^{۱۷}، در سطح مفهومی کلان تشریح می‌کند (Creswell, 2005, p. 396). نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا در این روش، طی یک فرآیند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی در چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌شوند (Powell, 1999, p. 67) و (Glaser And Strauss, 1967, p. 13) همچنین اتکا بر شیوه گسترش

جوهر اصلی مدرنیته، پذیرفتن «اندیشه انتقادی» و «ویران‌سازی رادیکال آنچه در گوهر خود وابسته به سنت‌های کهن‌تر است». می‌باشد، و بدین معنا «مدرنیته، انتقادی است مداوم از سنت و از خودش» (Ibid, pp. 8-11). یک تحقیق در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد دانشجویان فلسفه، تاریخ و مطالعات فرهنگی، در مجموع، هفت تعریف متفاوت از اندیشه انتقادی مبتنی بر داوری، شکاک‌بودن، سادگی و اصالت، خوانش‌های حساس، عقلانیت، تعامل فعال با دانش و نیز خود-انعکاس‌پذیری را عنوان نموده‌اند (Moore, 2013, p. 506). در سده هفدهم، کریستیک، فهم فاصله فرهنگ روزگار آفرینش متن با فرهنگ روزگار دریافت آن و در عصر روشنگری، به معنای داوری اثری فکری یا پدیده‌ای اجتماعی معنا می‌داد (Ahmadi, 1998, p. 13). تفاوت مفهوم نقد و اندیشه انتقادی این بود که متفکران عصر روشنگری نقادی را کنشی می‌دانستند که درون ذهن اتفاق می‌افتد و در این فرایند، خرد خودش را داوری می‌کند. یعنی خرد، هم کنش سنجش را به انجام می‌رساند هم خودش سنجیده می‌شود و فاعل سنجش نیز، خرد ناب است (همان: ۱۵). اندیشه انتقادی «قضاوت معلق» و «تردید سالم» (Dewey, 1998, p. 74). در دو مرحله شک و تحقیق انجام می‌شود (Myers, 2007, p. 15). هدف آن دوری از اغراض شخصی و صراحت و دقت در کار (Brunner, 1984, p. 14-19) همچنین دستیابی به ذهنی با شیوه تفکر اصولی و خلاق و عقلانی است (Walters, 1994, pp. 60-65). و برخی آن را قضاوتی خودتنظیم و دارای اراده، که در نتیجه آن تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط صورت می‌گیرد (Facione, 2011, p. 26)، می‌دانند.

۴-۳. سنت و هنر سنتی

سنت، حکمت تغییرناپذیری است که در آغاز زمان، آشکار گشته است (Al-Damdo, 2010, p. 153). «حقیقه الحقایق» در سنت، ذات باری تعالی است و هرچه غیر از اوست، واقعیتی نسبی دارد (Nasr, 2012, p. 136). همچنین سنت، امری تکرارپذیر است (Nasr, 2009, p. 46). نیز حوالتی است که هندوان، آن را «ساناتانا دارما»، اعراب «الحکمه الخالدیه» و فارسی‌زبانان آن را «جاویدان خرد» می‌نامند. در واقع، «آنچه از آسمان و از جانب خداوند به انسان رسیده است» (Burkhart, 1993, p. 66) و لازمه خلق آثار هنر سنتی، حضور این سنت راستین و لایتغیر است (Nasr, 2004, p. 209). از دیدگاه سنت‌گرایان، وجود منبع الهام یعنی وحی، برکت نامتناهی که از طریق وحی به بشر افزوده می‌شود، روش تحقق بخشیدن حقایق در وجود انسان، شمول عام تجسم سنت در تمامی ابعاد زندگی انسان، چهار اقتضای مهم سنت است. سنت یا حکمت جاودان، در قالب‌های هنری سمبلیک و رمزگونه ظاهر می‌شوند. صورت‌های هنر سنتی نماد یک معنای والاتر هستند و کلید فهم هنر سنتی، توجه به ماهیت رمزگونه آن است. در واقع، از نظر آن‌ها، هنر سنتی، شیوه‌ای است که سنت از طریق آن، سخن می‌گوید و وسیله‌ای است که می‌توان با آن از ظاهر به باطن رسید (Kadivar and Karami, 2005, p. 24). سنت‌گرایان به نقش هنر سنتی در رهایی بشر از گرفتاری‌های عصر تجدد اعتقاد دارند.

استقرایی در مورد پدیده مورد نظر (Neuman, 1977, p. 234) یعنی شیوه تفکر ابراهیم (ع) بوده است. این روش فرآیندی است برای ساختن یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده، به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون هستند (Mansourian, 2006, p. 5). روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری غیرتصادفی^{۱۸} است که در آن تمامی آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) یعنی ۱۸۸ آیه جمع‌آوری گردیده و سپس از این میان، آیاتی که به‌نحو بارزتری به شیوه و مکانیزم تفکر او مستقیم یا غیرمستقیم اشاره داشتند، به روش هدفمند^{۱۹} انتخاب شدند. در مرحله بعد، کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده صورت گرفت. سپس نظریه مذکور استخراج شده و محدوده‌های آن مشخص گردید.

۴. مبانی نظری

۴-۱. مفهوم قلب

برخلاف علوم تجربی که مغز را محل تفکر و استدلال و تفقه می‌شمارد، قرآن، قلب را محل اصلی تفکر و عقلانیت معرفی می‌کند. بر اساس سوره‌های نحل آیه ۲۲، انعام آیه ۲۵، اسراء آیه ۴۶، آیه ۲۳، کهف، آیه ۴۶، حج، آیه ۲۳، محمد آیه ۲۴ و چندین سوره دیگر^{۲۵} کنش تعقل، فهم، ادراک و تفقه در قلب صورت می‌گیرد. که در پژوهش حاضر این امر در نظر گرفته شده است. در لغت‌نامه دهخدا با معنای متنوعی از کلمه «قلب» نظیر «میراندن خدای کسی»، «آزمودن چیزی»، «خرد و عقل» مواجه می‌شویم که به‌نحو شگفت‌آوری با معنای قرآنی آن و خصوصاً قلب سلیم و شکستن بت‌ها در داستان ابراهیم (ع) هم‌سویی دارد. همچنین در تعریف عرفانی، لطیفه‌ای است ربانی که به قلب جسمانی صنوبری شکل که در طرف چپ سینه است، تعلق دارد. این لطیفه عبارت است از حقیقت انسان و حکیم آن را نفس ناطقه می‌نامد و روح باطن آن و نفس حیوانی مرکب آن است و همین قلب است که ادراک و علم دارد و مخاطب و معاتب است (Dehkhoda, undated, p. 1627). فاطمی‌نیا به نقل از ریاض‌السالکین، قلب را واجد ظاهر و باطن دانسته و لطیفه‌ای ربانی، که به قلب (صنوبری) اشراف داشته و همان نفس ناطقه است، می‌داند. سپس، به‌عنوان تقریب به ذهن، قلب را مقام یا قوا معرفی نموده که مرکز تفقه است و نیز «صدر» را مَقر اسلام، «فؤاد» را مَقر مشاهده، و «لب» را نیز به معنای عقل معنا نموده‌اند.^{۲۶}

۴-۲. اندیشه انتقادی

فرآیند نقد و فرآیند اندیشه انتقادی با هم متفاوت‌اند. برخلاف تاریخ طولانی نقد، آغازگاه اندیشه انتقادی، عصر روشنگری و در بستر سوئزکتیویسم است. اندیشه انتقادی، کنشی درون ذهن است که خرد، طی فرآیند نقد، هم کنش سنجش را انجام می‌دهد هم خودش توسط خرد ناب سنجیده می‌شود (Ahmadi, 1998, p. 15). در واقع،

۵. ویژگی‌ها و ابعاد تفکر ابراهیم(ع) در قرآن (کدگذاری باز)

ابراهیم(ع) پدر امت اسلامی(سوره حج، آیه ۷۸) و اُسوة بت‌شکن و نیای سه دین بزرگ، پس از پیامبر اسلام(ص)، دومین شخصیت در میان پیامبران الهی است (Maghibi, 1409, p. 223). که پس از ماجرای آتش نمرود، به شام، فلسطین و مصر هجرت کرد(Makarem Shirazi, 1995, p. 403). در قرآن، ویژگی‌های متعددی از ابراهیم(ع) بیان شده^{۲۷}، که برخی از آن‌ها، از شیوة تفکر او مبتنی بر نقد مکرر معیارهای پیشین پرده برمی‌دارند. بنابراین در کدگذاری باز، ۷۱ آیه از قرآن در نظر گرفته شد که به ابعاد و ویژگی تفکر و استدلال ابراهیم(ع) پرداخته و عبارت‌اند از ابراهیم(ع) به‌عنوان اُسوة حسنه برای مؤمنان، سفاقت مخالفان ابراهیم(ع)، ابراهیم(ع) دارای قدرت و ینش، دارای قلب سلیم، دیدن ملکوت آسمان و زمین، رشد فکری ابراهیم(ع) پیش از نبوت و همچنین چهار روایت که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

۵-۱- در سوره انعام، آیه ۷۶ بیان شده که ابراهیم(ع) ستاره درخشانی را دید و گفت: این پروردگار من است. و هنگامی که آن ستاره غروب کرد، گفت: من چیزهای غروب‌کردنی را دوست ندارم (انعام: ۷۶). سپس، ابراهیم(ع) ماه تابان را دید گفت: این خدای من است. وقتی ناپدید گردید، از پرستش آن منصرف شد(انعام: ۷۷). پس از آن، وقتی که خورشید درخشان را دید، گفت: این بزرگ‌تر است، پس این است خدای من. چون آن هم ناپدید گردید، گفت: ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید، بیزارم(انعام: ۷۸).

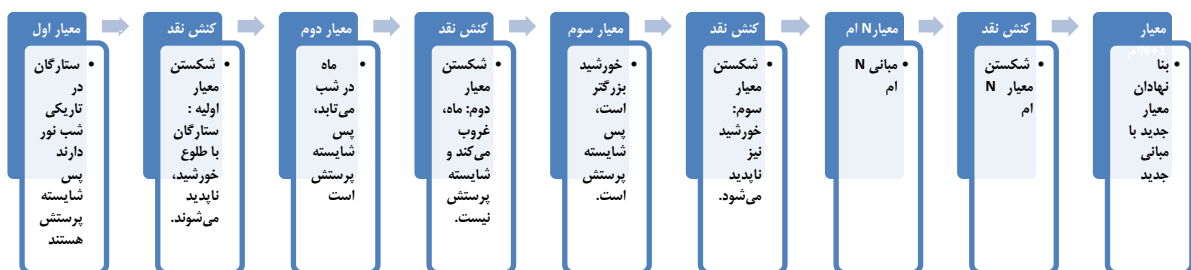
۵-۲- شکستن بت‌ها: ابراهیم(ع) از بت‌ها می‌پرسد: «چرا از این غذاها نمی‌خورید اصلاً چرا سخن نمی‌گویید؟» (صافات، آیات ۹۱ و ۹۲) سپس، ابراهیم(ع) با تبر بر پیکر بت‌ها ضربه‌های محکم فرود آورد. (صافات آیه ۹۳) مردم از او پرسیدند: «آیا تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم(ع)؟» (انبیاء، آیه ۶۲) ابراهیم(ع) گفت: «این کار را بزرگ آن‌ها انجام داده‌اند. از آن‌ها بپرسید، اگر سخن می‌گویند.» (انبیاء، آیه ۶۳) «آن‌ها به خود بازگشتند و به خود گفتند: حقا که ما ستمگریم» (انبیاء، آیه ۶۴) «سپس، سرهایشان را تکان دادند و گفتند تو می‌دانی که این‌ها سخن نمی‌گویند.» (انبیاء آیه ۶۵) طبرسی

معتقد است که بازگشت به خود کردند، یعنی «به عقل خویش مراجعه کردند و به اندیشه فرو رفتند» (Tabarsi, 1981, p. 139).

۵-۳- زنده‌شدن مردگان: ابراهیم(ع) گفت: خدایا به من نشان ده، چگونه مردگان را زنده می‌کنی. خداوند فرمود: آیا ایمان نیاورده‌ای؟ او در پاسخ عرض کرد: آری، «ایمان» آورده‌ام، ولی می‌خواهم «قلبم» آرامش یابد. خداوند به حضرت ابراهیم(ع) فرمود: «حال که چنین است چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آن‌ها را پس از ذبح کردن قطعه‌قطعه کن! و در هم بیامیز! سپس، بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده! بعد آن‌ها را بخوان! به‌سرعت به‌سوی تو می‌آیند و بدان خداوند توانا و حکیم است.» ابراهیم(ع) این کار را کرد، و آن‌ها را صدا زد، در این هنگام اجزای پراکنده هریک از مرغان، جدا و جمع شد و به‌هم آمیخت و زندگی را از سر گرفت. (سوره بقره، آیه ۲۶۰) ۵-۴- داستان ابراهیم و ذبح اسماعیل.^{۲۸}

۶. کدگذاری محوری و انتخابی و ارائه فرمول کلی شیوة تفکر ابراهیم(ع)

چنان‌که در بندهای بالا بیان شد، ابراهیم(ع)، مکانیزم خاصی را برای اندیشیدن و کشف حقیقت به‌کار می‌برد. برای مثال، او ابتدا، ستاره را، بنابر یک «معیار اولیه» یعنی نورافشانی در تاریکی شب، برای پرستش انتخاب می‌کند. سپس، با تغییر وضعیت یعنی آغاز روز و ازبین‌رفتن نورافشانی ستارگان، بر «معیار اولیه» خود نقد وارد می‌کند و به معیار جدیدی دست می‌یابد که در آن، شایستگی پرستش از ستاره لغو، و در عوض، ماه تابنده، که هم بزرگ‌تر و هم پر نورتر است و گاهی هم در روز دیده می‌شود، واجد این شایستگی می‌گردد. سپس، با مشاهده بزرگ‌تر بودن و پرنورتر بودن خورشید، از پرستش ماه نیز دست می‌کشد. بدین ترتیب، معیارها مرتب شکسته می‌شوند تا معیارهایی جدیدتر و عقلانی‌تری حاصل آیند. در نمودار (۱)، شمای کلی این فرآیند نشان داده شده است.



نمودار (۱): شمای کلی معیارشکنی بر اساس نقدهای پیاپی ابراهیم در سوره انعام(منبع: نگارندگان)

Figure (1): Overview of standard-breaking based on Ibrahim's successive criticisms in Surah An'am (Source: Authors)

شکستن دیگر بت‌ها هستند. با شیوه‌ای که ابراهیم(ع) به کار می‌بندد، مردم، شروع به نقد معیار اولیه، یعنی توانایی سخن گفتن، غذاخوردن و انجام عمل، از طرف بت‌ها، می‌کنند. و این چنین، راهی عقلانی برای تأسیس معیار جدید در ذهنشان گشوده می‌شود. تعداد این نقدها بر معیارها، بر اساس ساحت بینایی وجودی انسان میان ربوبیت و عبودیت می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه یابد. در بخش‌های بعدی به تشریح این امر خواهیم پرداخت.

در بند (۵-۲) ابراهیم(ع)، هنگامی که تنها در بت‌کده حضور دارد، از بت‌ها می‌پرسد که چرا از این غذاها نمی‌خورید و سخن نمی‌گویید؟ همچنین هنگامی که مردم از او می‌پرسند چه کسی بت‌ها را شکسته، ابراهیم(ع) پاسخ می‌دهد که بت بزرگ، این کار را انجام داده است. «معیار اولیه» در این فراز این است که بت‌ها، مانند آنچه عموم مردم زمانه فکر می‌کردند، غذا می‌خورند و سخن می‌گویند و حتی قادر به انجام عملی مانند استفاده از تبر و

جدول (۱): مراحل کدگذاری داده‌های قرآنی که به حوزه عقلانیت در راهبرهای ابراهیم(ع) در زندگی اشاره دارند(منبع: نگارندگان)
Table (1): The steps of coding Quranic data that refer to the field of rationality in the guidance of Ibrahim (AS) in life
(Source: Authors)

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
داده‌ها	مفاهیم ^{۳۹}	مقولات ^{۳۰}
اُسوةٔ حسنه برای مؤمنان (ممتحنه: ۴ و ۶)	ارائه الگوی استدلال	تأکید بر کارکرد صحیح روش ابراهیم(ع) برای کشف حقیقت و همچنین ارائه الگویی برای آیندگان
سفاهت مخالفان ابراهیم(ع) (بقره: ۱۳۰)	رد شیوه اندیشگی مخالفان ابراهیم(ع) (پذیرش بی چون و چرای روش گذشتگان)	
دارای قدرت و بینش (ص: ۴۵)	برتری اندیشگی ابراهیم(ع) در قرآن (نقد - آزمون)	مکانیزم متکی بر نقدهای پیاپی و آزمون در چارچوب جهان‌بینی دینی.
دارای قلب سلیم (صافات: ۸۴-۸۵)		
دیدن ملکوت آسمان و زمین (انعام: ۷۵)		
رشد فکری پیش از نبوت (انبیاء: ۵۱)		
ستاره پرستی، ماه پرستی، خورشیدپرستی (انعام: ۷۶-۸۱-۸۳)	مکانیزم استدلال و مکانیزم تفکر ابراهیم(ع)	
(بقره: ۲۶۰) ابراهیم(ع) و زنده کردن مردگان		
داستان شکستن بت ها به روش ابراهیم(ع) (صافات: ۸۵-۹۰) (انبیاء: ۵۷) (صافات: ۹۱-۹۳) (انبیاء: ۵۸-۶۱) (صافات: ۹۴) (انبیاء: ۶۲-۶۵) (انبیاء: ۶۶-۶۷)؛ (صافات: ۹۵)، (صافات: ۹۶)، (عنکبوت: ۲۴)، (صافات: ۹۷)، (انبیاء: ۶۸-۶۹)، (عنکبوت: ۲۴)، (انبیاء: ۷۰)؛ (صافات: ۹۸)، (عنکبوت: ۲۵)، (توبه: ۷۰)، (شعراء: ۸۳-۱۰۳)، (شعراء: ۷۰)، (صافات: ۸۵) (انبیاء: ۵۲)، (شعراء: ۷۱)، (انبیاء: ۵۳)؛ (انبیاء: ۵۴)، (شعراء: ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶)، (زخرف: ۲۶-۲۷)، (شعراء: ۷۷-۸۲)، (انبیاء: ۵۵-۵۶)، (عنکبوت: ۱۶-۱۸)، (حج: ۴۳)		
داستان ابراهیم(ع) و ذبح اسماعیل (صافات: ۱۰۰-۱۰۱)، (ابراهیم(ع): ۳۷)، (ابراهیم(ع): ۴۰-۴۱)، (بقره: ۱۲۶)، (حج: ۲۶)، (بقره: ۱۲۵)، (بقره: ۱۲۷-۱۲۹)، (ابراهیم(ع): ۳۵-۳۸-۳۶)، (صافات: ۱۰۲-۱۰۷)		

نقد و آزمون، برای کشف و جست‌وجوی حقایق عالم و در واقع نوعی تحقق عقل علمی است. در جدول (۱) مراحل تحلیل داده‌ها، به صورت کدگذاری باز، محوری و انتخابی نشان داده است. با جمع‌آوری داده‌ها در کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، پنج مفهوم «ارائه الگوی استدلال»، «رد شیوه اندیشگی مخالفان ابراهیم(ع) یعنی پذیرش بی‌چون و چرای روش گذشتگان»، «برتری اندیشگی ابراهیم(ع) در قرآن یعنی نقد و آزمون» و «مکانیزم استدلال و مکانیزم تفکر ابراهیم(ع) حاصل گردید. سپس، در مرحله کدگذاری انتخابی، دو مقوله «تأکید بر کارکرد صحیح روش ابراهیم(ع) برای کشف حقیقت و همچنین ارائه الگویی برای آیندگان» و «مکانیزم متکی بر نقدهای پیاپی و آزمون در چارچوب جهان‌بینی دینی» به دست آمد. درواقع، آنچه در این مرحله حاصل شد، اولاً ما را قادر به استخراج مکانیزم فکری ابراهیم(ع) نموده و دوماً، بر کارکرد جاویدان این مکانیزم تأکید دارد و آن را خاص دوران ابراهیم(ع) عنوان نموده است.

در بند (۵-۳)، هم‌چنان که اشاره شد، قرآن، قلب، را مرکز تفکر و تعقل می‌شمارد. بنابراین، اگرچه ابراهیم(ع) به زنده‌شدن مردگان ایمان دارد، قلبش آرام نیافته، در واقع، این، بدان معنی است که اگرچه به زنده‌شدن مردگان ایمان دارد، از نظر عقلانی، قلب، آمادگی پذیرش آن را ندارد. در اینجا «معیار اولیه» این است که امکان زنده‌شدن مردگان، عقلاً، ممکن نیست. پس، با یک فرآیند تجربی به شکل آزمایش کردن، در پی کش عقلانی نقد، معیار اولیه شکسته شده، و ابراهیم(ع) را به نتیجه جدید و در واقع «معیار جدید» می‌رساند که در آن، مردگان زنده خواهند شد. در بند (د) نیز همین فرمول تکرار می‌شود و به دلیل اشباع، به آن پرداخته نشده است.

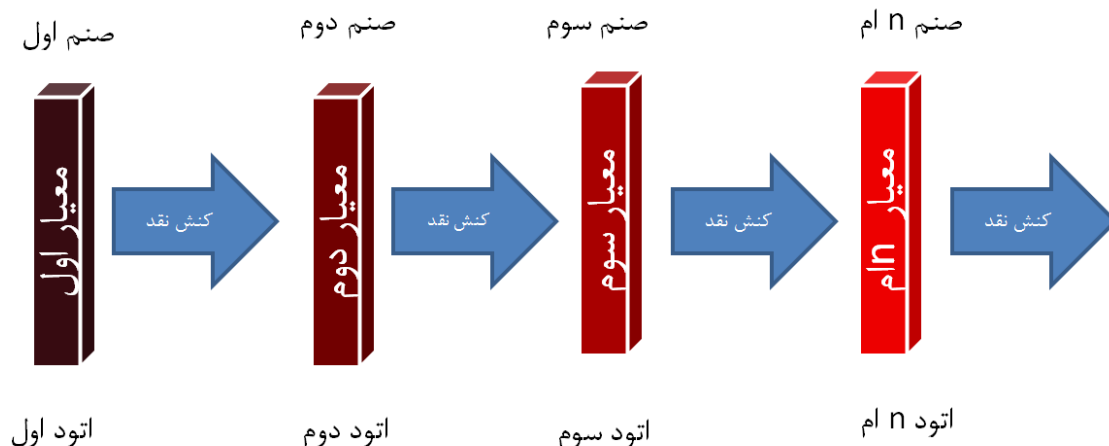
وقتی قرآن از «مؤمنان به خدا و آخرت» می‌خواهد که به روش ابراهیم(ع) اقتدا کنند، به مسئله دیگری، غیر از ایمان آوردن نیز اشاره دارد، (زیرا ابراهیم(ع) در آن زمان امام بوده و ایمان کاملی داشته است). این مسئله، شیوه تفکر و تعقل ابراهیمی است که در قلب روی داده و فرآیند



۷. تبیین نظریه کسر اصنام و کارکرد آن در هنر تمدن اسلامی

حال، با توضیحاتی که داده شد، مکانیزم تفکر ابراهیم(ع) در سده بیستم قبل از میلاد (ناس، ۱۳۵۴: ۳۲۹) را می‌توان به شکل شماتیک، در نمودار (۱) مشاهده نمود. در قرآن، این شیوه تفکر ابراهیمی، درست در نقطه مقابل شیوه تفکر ایستای مردم معاصرش که تنها به روش نیاکان خود^{۳۱} عمل می‌کردند، بیان شده است. قرآن، از مؤمنان خواسته تا به ابراهیم(ع) به عنوان الگوی خوب اقتدا کنند. و منظور قرآن از «بصیرت» و «رشد یافتگی» ابراهیم(ع) پیش از نبوت، شیوه پویای تفکر پیشرفته او توسط نقدهای مکرر و بنیان‌فکنی معیارهای کهنه و تأسیس معیارهای جدید در جهت کشف حقیقت است. با این خوانش، دوره ابراهیم(ع)

از نظر قرآن، دوره رودرویی پویایی تفکر عقلانی و اهمیت نقد و آزمون، در مقابل ایستایی تقلید کور از سنت‌های لایتغیر غیرعقلانی پیشینیان، بدون هرگونه نقد و آزمون است. در جای جای عهد قدیم نیز، اهمیت عقلانیت از جانب خاندان ابراهیم(ع) گوشزد می‌شود. حتی موضوع غیرعقلانی بودن ارتباط تأثیر بت‌ها بر زندگی روزمره و حیات بشری مورد تأکید قرار می‌گیرد. در اشعیا می‌خوانیم: سازنده بت، آن قدر عقل ندارد که به خود بگوید: قسمتی از چوب را سوزاندم، روی آتش آن نان پختم، گوشت را کباب کردم و خوردم و با بقیه آن بتی ساختم. پس اکنون، در برابر یک تکه چوب تعظیم می‌کنم. این کار، مانند خوردن خاکستر، بی‌معنی است.^{۳۲}



نمودار (۲): مکانیزم شکستن پیاپی معیارها در نظریه کسر اصنام (منبع: نگارندگان)

(Figure 2): The mechanism of successive breaking of criteria in the theory of fractionation (Source: Authors)

را شکل می‌دهد. بدین ترتیب، تولید هنری و همچنین تولید اندیشه هنری، بر اساس نقدهای پیاپی در چارچوب عبودیت، بی‌وقفه در جهت پیشرفت و ارتقای هنر ادامه می‌یابد. در واقع، این فرآیند عقلانی، ساری‌وجاری کردن اندیشه ابراهیمی در شکست صنم‌های پیاپی است. در نمودار (۳) مدل پارادایمی نظریه کسر اصنام نشان داده شده است.

۸. پالایش و اعتبارسنجی

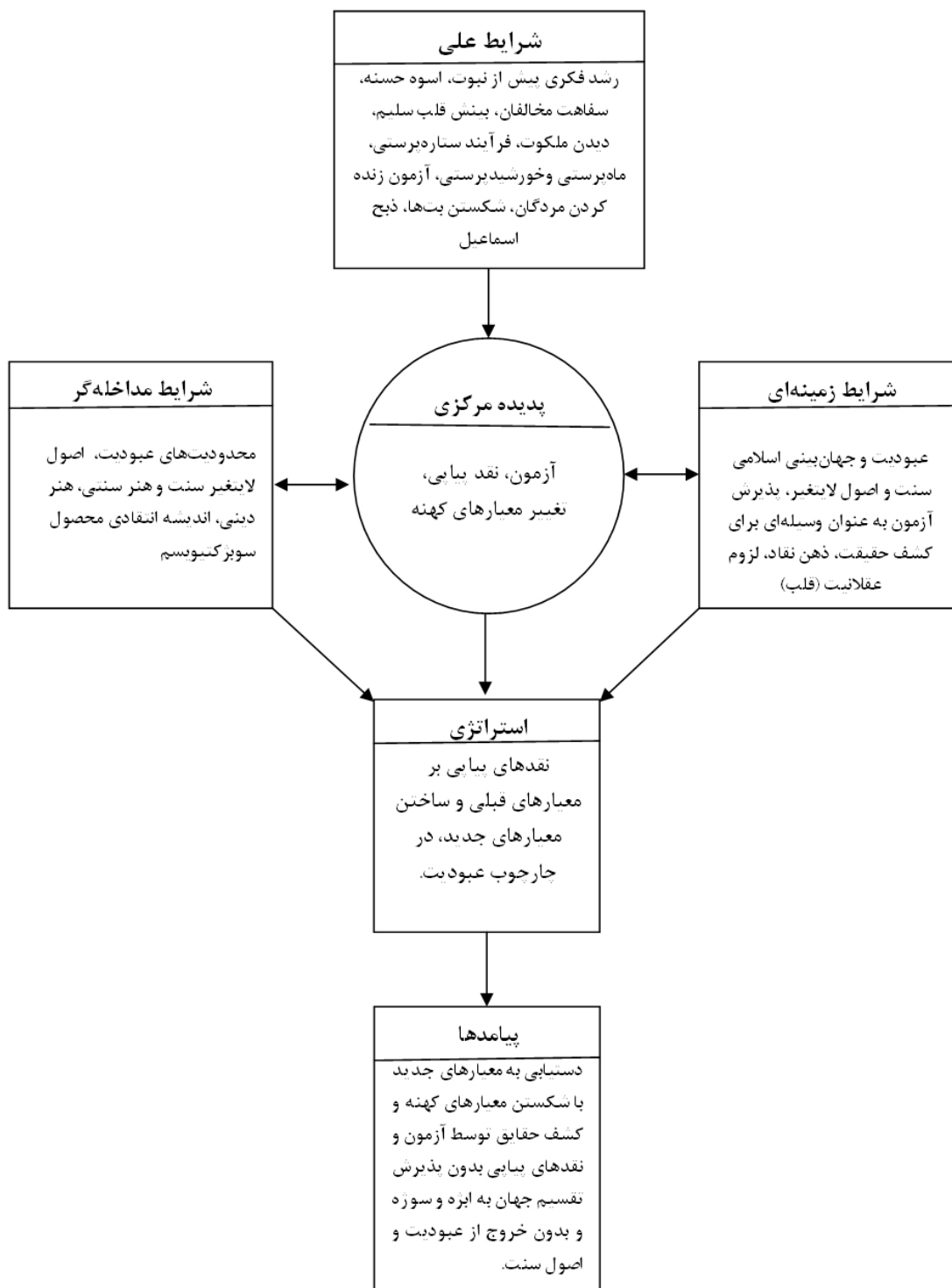
این مرحله به ارزیابی نظریه اختصاص دارد. این ارزیابی با استفاده از چهار معیار تطبیق، قابلیت فهم، قابلیت تعمیم و کنترل انجام می‌شود (Parker & Roffey, 1997, p234). در بخش تطبیق به بررسی تطبیق مفاهیم تولیدشده از داده‌های مورد بررسی، شکل نظام‌مند مفاهیم و پیوند معنادار مقوله‌ها نیز در بخش دوم یعنی قابلیت فهم پرداخته می‌شود. تأثیر تغییر شرایط یا شرایط کلان‌تر با عنوان قابلیت تعمیم و برای کنترل نیز، تغییر فرآیندی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، موارد فوق را می‌توان با توجه به جایگاه این نظریه در هنر سنتی، مورد ارزیابی قرار داد.

یا در امثال می‌خوانیم: حکمت و عقل عمر تو را طولانی می‌کند.^{۳۳} و عقل اولین مخلوق جهان عنوان شده است.^{۳۴} همچنین می‌خوانیم که عقل از تو محافظت خواهد کرد.^{۳۵} تعداد این آیات بسیار زیاد است و همگی آن‌ها هم بر لزوم افعال عقلانی در زندگی روزمره (و نه صرفاً مسائل الهیاتی) تأکید می‌کنند بلکه کسب حکمت و عقلانیت را، اموری ضروری و بدیهی برای سلامت و موفقیت در جنبه‌های مادی زندگی نیز می‌دانند. مطابق نمودار (۲) می‌توان فرآیند تولید و ارتقای اندیشه هنری در این نظریه را به صورت شماتیک مشاهده نمود. هنرمند، بر اساس معیار اول، اثر اول را تولید می‌کند. اثر اول را که در واقع اولین اتود محسوب می‌شود، در این نظریه، صنم اول می‌نامیم. بدین معنا، صنم، همان معیارهایی است که انسان به آن پایبند است. سپس، نقدهایی بر آن وارد می‌کند. این نقدها می‌تواند زیباشناسانه یا مربوط به محتوا باشد. ضمن اینکه این نقدها، همگی در چارچوب ثوابت و اصول هنر سنتی و در قلب آن هنر دینی، و نیز عدم خروج از چارچوب عبودیت انجام شده و بنابراین، معیار دوم (همان اتود دوم یا صنم دوم) را شکل می‌دهند. سپس، نقد بعدی، بر این معیار، معیار سوم (صنم سوم)

۸-۱. جایگاه نظریه کسر اصنام در سنت و هنر سنتی

در تقابل با تغییرات دائمی در هنر مدرن که توسط اندیشه انتقادی به وسیله نقدهای مکرر بر معیارها صورت گرفت، با نوعی ثبات در بنیادهای اندیشگی هنر سنتی مواجهیم. زیرا همان طور که گفته شد، سنت، به عنوان حکمت تغییرناپذیر بوده و از جانب خداوند از طریق وحی نازل شده و لازمه خلق آثار هنر

سنتی است. و انسان، عناصر تعیین کننده حیات بشری را تنها از این واقعیت دریافت می دارد (Nasr, 2012, p. 57). همچنین اصول سنت، آدمی را مطیع آسمان (ملکوت) و دین می سازد (Ibid, 58). و «حقیقه الحقایق»، ذات الهی است همه چیز غیر از آن، واقعیتی نسبی دارد (Ibid, 136).



نمودار (۳): مدل پارادایمی نظریه کسر اصنام (منبع: نگارندگان)

Figure (3): Paradigm model of the fraction fraction theory (Source: Authors)



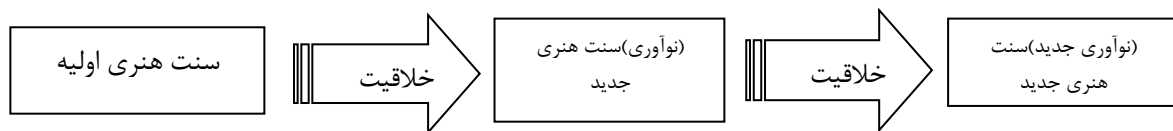
همچنین سنت، امری تکرارپذیر است (Nasr, 2009, p. 46). این حکمت جاودانه، نزد اسلام «لا إله إلا الله»، نزد اوپانیساده‌ها با عنوان «نه این و نه آن» در تاتویسم با «اصل حقیقت بی‌نام» و در انجیل با عنوان «هستم آن که هستم» (Nasr, 2012, p. 31). و هندوان «ساناتانا دارما»، اعراب «الحکمه الخالدیه» و فارسی‌زبانان آن را «جاویدان خرد» می‌نامند. و در مقابل، عصر مدرن، جداسدن از سنت، جداسدگی از منبع نور و اتکا بر عقل بشری (Nasr, 2003, p. 130). و تنزل حقایق عالم به کتاب حقایق عالم (Rikhtegaran, 2002, p. 16). تعریف شده است. حال باید به این پرسش پاسخ دهیم که جایگاه نظریه کسر اصنام در سنت و هنر سنتی چیست؟ آیا نقدهای مکرر و پیایی همراه با معیارشکنی‌های متواتر، ذات لایتغیر و تکرارپذیر سنت و هنر سنتی را مخدوش می‌کند؟ کارکرد این نظریه، که انسان را برای رسیدن به حقایق برتر، به شکستن مداوم معیارها ترغیب می‌کند تا به حقیقت دست یابد و با نقد مداوم محصولات تولیدی، به تولیدات ارزشمندتر نائل شود، تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ محدوده آن کجاست؟ آیا مانند اندیشه انتقادی بر بال مبانی تقدم وجود بر ماهیت، بر همه ارزش‌ها و معیارهای سنجشگر تا بی‌نهایت نقد وارد خواهد کرد؟

پاسخ، به صورت مختصر، خیر است. کسر اصنام، قاعده‌ای در چارچوب «عبودیت» است. در زمینه جایگاه انسان و بررسی محدودیت‌های او در جهان‌بینی دینی، پژوهش‌های مفصلی صورت گرفته است و ارائه انبوهی از مطالب خارج از حوصله این پژوهش است. بنابراین، بدون حاشیه و مقدمه باید گفت، جهان‌بینی اسلامی (تشیع)، به شدت انسان‌گراست. مقام انسان در این جهان‌بینی به حدی است که تفاوت او با موجودی که او را به عنوان علت‌العلل عالم معرفی می‌نماید، تنها مسئله خالقیت است. «تفاوتی میان تو و آنان (امامان) نیست، جز آنکه آنان بندگان و مخلوق تو هستند و باز و بست و آغاز و پایانشان با توست»^{۳۶} (Tusi, 1990, p. 803). و این استعداد به صورت بالقوه، در همه انسان‌های عالم قرار داده شده است. منشاء این مقام خلیفه‌اللهی، کمال عبودیت محض بوده و عبودیت، هدف خلقت و بعثت است (Raja'i, 2006, pp. 20-50). عبودیت، کمال عبادت، گام برداشتن، اندیشیدن، خضوع و تذلل تنها در برابر خدا و فراموشی هرچه غیر او معنا شده است (Ibn Manzoor, 1988, p. 11). عبودیت عبارت است از ظاهرکردن ذلت و فروتنی (Ragheb Isfahani, 2004, p. 494). انقیاد و تسلیم‌شدن بی‌قید و شرط در برابر چیز یا شخص (Faiz Kashani, undated, p. 55). فروتنی و قبول کردن دستورات (Fayumi, 1414, p. 389) معنا شده است. عبودیت در حدیث عنوان بصری بر سه چیز استوار است. عبد، خود را مالک آنچه خداوند عطا کرده، نداند. تدبیر زندگی‌اش را با اراده‌الهی تنظیم کند و تمام همش در اوامر و نواهی خداوند باشد (Tarihi, 1996, p. 96). ابن عربی در فصوص‌الحکم از قابلیت روح محمدی (حقیقت

محمدیه) تعبیر به عبودیت و از فاعلیت آن تعبیر به ربوبیت کرده است. چون خداوند اصالتاً او (روح محمدی) را عبد آفریده است، هیچ‌گاه سر خود را برای (کسب) سیادت بر نداشت بلکه همواره (از جهت عبودیتش) ساجد رب خود و متذلل حضرتش و اگر واقف (ایستاده) بود در حال انفعال بود و لذا خداوند از او تمام کائنات را تکوین کرد و به او رتبه فاعلی در عالم انفس بخشید (Ibn Arabi, 1991, p. 220). یعنی ربوبیت حقیقت محمدیه، از جهت حقّ اوست و نه از جهت بشری او. جهت بشری، عبدی است که محتاج به ربّ است (Ibid: 45). بنابراین انسان به دو دلیل موجود گسترده‌ای است، اول اینکه به جهت اتّصافش به صفات ربوبی، عزیزترین و به سبب اتّصافش به صفات عبودی، ذلیلترین موجودات است (Ibid: 105). در واقع در جهان‌بینی اسلامی، انسانی بی‌نهایت، در گستره هستی بی‌نهایت، در چارچوب عبودیت، دست به شناخت می‌زند. و عقلانیت دینی را تنها به «عقل ارتباطی» تقلیل نمی‌دهد بلکه با استفاده از نقد و آزمون در چارچوب عبودیت، در جست‌وجوی ابداع و حل مسائل مادی و معنوی و کشف حقیقت است.

۹. شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه کسر اصنام با اندیشه انتقادی

نظریه کسر اصنام، شباهت‌هایی به اندیشه انتقادی و همچنین ساختار کارکردی آن در هنر مدرن دارد. چراکه انبوه آثار و مکاتب تولیدشده در عصر مدرن، مربوط به کارکرد اندیشه انتقادی در عرصه هنر است. هنر مدرن یک برنامه از پیش تدوین شده نبود و به وسیله کارکرد اندیشه انتقادی و نقدهای پیایی با ظهور خلاقیت‌های فردی هنرمندان، خودش را گسترش داد و تنوعات و تکثرات آثار هنری مدرن و گسترش بی‌وقفه آن، به خاطر تأثیرات دائمی اندیشه انتقادی کانتی در فضای ذهنی هنرمندان بوده است (Greenberg, 1962, pp. 5-1) و (Greenberg, 1980, pp. 64-66). در واقع با ظهور سوژکتیویسم، اثر هنری به عنوان ابژه شأنیت یافت و بر «نبوغ» فردی سوژه متکی شد. هنرمند به عنوان «نابغه» با قوه «خلاقیت»، از «سنت اولیه» (قواعد گذشته) عبور کرده، «سنت جدید»ی (قواعدی جدید) را بنیان می‌نهد. (یعنی نوآوری) که قابلیت سرمشق شدن داشته و خود، سنتی جدید را بنیان می‌نهد تا هنرمند، باز هم از آن عبور کرده و سنتی جدیدتر را بنیان نهد و این امر، بی‌وقفه ادامه می‌یابد (Pazouki, 2002, p. 102). این فرآیند، در نمودار (۳) به صورت شماتیک، نشان داده شده و چنانکه ملاحظه می‌شود شباهت زیادی با فرآیند نقدهای مکرر کسر اصنام، جهت ایجاد معیارهای جدیدتر دارد. اما این فرآیند، اگرچه از نظر ظاهر با کسر اصنام، شباهت دارد، به دو دلیل با آن تفاوت بنیادین دارد: اولین دلیل، تفاوت از نظر تاریخی است. اندیشه انتقادی، محصول عصر روشنگری است، اما قاعده کسر اصنام، بر ساخته از شیوه تفکر انسانی متعلق به سده بیستم قبل از میلاد است.



نمودار (۳): مکانیزم خلق اثر هنری در تفکر کانتی (منبع: نگارندگان)

Figure (3): The mechanism of creating a work of art in Kantian thought (Source: Authors)

آیت حق دانسته می‌شد (Pazuki, 2002, pp. 99-100). پژوهش‌های معتبر جهانی نیز تصدیق می‌کنند بین هم‌کناری «اندیشه انتقادی» با «باورهای دینی»، رابطه منفی وجود دارد. و افراد با تفکر انتقادی بالاتر، باورهای دینی کمتری را مورد پذیرش قرار می‌دهند (Razmyar et al, 2013, pp. 667-673) و (Pennycook et al, 2013) و (Gervais & Norenzayan, 2012, pp. 336-493). در حاشیه، به دلایلی که گفته شد، می‌توان به عدم صحت نتایج پژوهش‌هایی که اندیشه انتقادی را در متون دینی ادیان ابراهیمی جست‌وجو می‌کند، اشاره کرد.

دلیل دوم، این است که اندیشه انتقادی در بستر «خودبنیادی» یا سوژکتیویسم شکل گرفته است. دکارت، حقیقی بودن و یقینی بودن را به یک معنا دانسته و کوگیتو (کوجیتو) را بنیاد هستی قرار داده چنان که همه موجودات، وقتی حقیقی تلقی می‌شوند که متیقن به یقین انسانی شده باشند. تا پیش از او، سوژه به معنا عینی و ابژه، به معنای ذهنی تعریف می‌شدند. تغییر معنای این دو، نه بر حسب اتفاق بلکه انقلابی در حوزه انسان و حقیقت بود. و طبیعتاً، تفاوت است میان جهانی تقلیل یافته به ابژه انسانی و جهانی که به معنای مرآت الهی^{۳۸} و

نتیجه گیری

سوژه شناسنده، و بر بال اندیشه تقدم وجود بر ماهیت، مجاز است در گستره علوم تجربی و هرآنچه به آزمایشگری انسان در آمده و بر حسب استدلال استقرایی، به طور نامحدود، بر تمامی معیارهایی که به ذهن سوژه می‌رسد، نقد وارد کند و معیارهای جدیدی برای نقدهای بعدی بنا کند، اما نقد بر معیارها، در نظریه کسر اصنام، در چارچوب فاصله عبودیت و ربوبیت انجام می‌پذیرد. بدین معنا، کسر اصنام، خدشه‌ای به اصول، ثوابت و امور لایتغیر و لایزالی که در خلق هنر سنتی و در قلب آن هنر دینی، ضروری هستند، وارد نمی‌کند بلکه مکانیزم تولید و ارتقای معیارهای جدید برای ایجاد محصولات جدید بر اساس نقدهای پیاپی را معرفی می‌نماید که در آن، صنم‌هایی که هر کدام، خود، وجهی از جهان را به انسان می‌نمایند، اما، برای انسان به مثابه خلیفه‌الله، که گستره بی‌نهایت جهان وحدانی را ادراک نموده، حجاب می‌شوند. بنابراین، تضاد ساختن و شکستن پیاپی صنم‌ها، در جهان کثرت، عرصه را برای فهم جهان وحدانی مهیا می‌کند.

ابراهیم (ع) در قرآن، به عنوان شخصیتی تاریخی و اثرگذار، در قرآن، با پنج ویژگی منحصر به فرد یعنی رشدیافتگی فکری پیش از نبوت، الگوی خوب برای مؤمنان عالم، صاحب بصیرت، صاحب قلب سلیم و دیدن ملکوت آسمان و زمین، که همگی که ناظر بر عقلانیت و تفقه او در دوران حیاتش هستند، معرفی شده است. همچنین کسانی که استدلال‌های او را نمی‌پذیرند، به عنوان سفیه یاد شده‌اند. پژوهش حاضر، پس از جمع‌آوری کلیه داده‌های مربوط به ابراهیم (ع)، و پس از انجام تحلیل‌های خرد و انجام کدگذاری باز، کدگذاری محوری و انتخابی، مکانیزم تفکر ابراهیم (ع) به عنوان فرآیندی عقلانی، که بر اساس نقد مکرر معیارهای پیشین، معیارهای جدید خلق می‌کند، تحت نام نظریه کسر اصنام، را مطابق روش تئوری داده بنیاد، استخراج نموده و کارکرد آن در هنر را مشخص نمود. سپس به شباهت‌ها و تفاوت‌های این نظریه و اندیشه انتقادی که در بستر سوژکتیویسم به وجود آمده پرداخت. همچنین تفاوت‌ها از نظر محدوده کارکرد آن‌ها نیز مشخص شد. نتیجه آنکه اگر اندیشه انتقادی بر مبنای تقسیم جهان به ابژه و

پی نوشت

۴. واژه حکمت در زبان عبری حُکْمًا «hokhmah» و دارنده آن «حکیم» به عبری حاخام «hakhmah» خوانده می‌شود (Scott, 1996, p.557).
5. Hebrew
۶. پیدایش از ۱۰: ۲۶ الی ۱۱: ۲۵
۷. انبیاء: ۶۵، شعرا: ۷۲، بقره: ۱۷۰، مائده ۱۰۴، زخرف: ۲۲
۸. به عنوان نمونه در سوره زخرف: ۲۲ آیه
۹. سوره شعراء

1. Grounded Theory
۲. در ادامه بیان خواهد شد که در قرآن، قلب مرکز تفکر و تعقل است.
۳. ذکر این نکته ضروری است نظریه کسر اصنام که در این پژوهش ارائه شده است، با موضوع و محتوای کتاب ارزشمند ملاصدرا با عنوان «کسر اصنام الجاهلیه» که ریشه‌ای بر عرفان‌های کاذب است، تفاوت دارد.

۱۰. عقل ارتباطی، تلاش‌های انسان، ناظر بر روابط اجتماعی میان انسان‌ها و رابطه انسان و خداست که به صورت تشریفات، قوانین، اخلاقیات و عبادات نمود می‌یابد. همچنین عقل علمی، تلاش‌های انسان، ناظر بر شناخت هستی است (Shahrou, 1990, p. 323)

11. Life skills
12. www.who.int/school_youth_health/media/en/sch_skills4health_03.pdf?ua=
13. Modernist painting
14. Modern and Postmodern
15. Representative
16. Critical Thinking
17. substantive topic
18. Nonrandom Sampling
19. Purposive Sampling

۲۰. ولقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن و الانس لهم قلوب لا يفقهون بها.

۲۱. و منهم من يستمع اليك و جعلنا عل قلوبهم اكنة ان يفقهوه

۲۲. جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه

۲۳. افلم يسيرا في الارض فتكون لهم قلوب يعقلون بها

۲۴. افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها

۲۵. مانند سوره شعراء آیه ۸۹، ۱۹۳ و ۱۹۴، سوره بقره آیه ۲۰۴ و ۹۷، سوره آل عمران، آیه ۷؛ سوره توبه آیه ۶۴، سوره مجادله، آیه ۲۲؛ سوره مائده، آیه ۴۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۴، که در آن‌ها، قلب به عنوان مرکز تعقل یاد شده است.

۲۶. سيد عبدالله فاطمی نیا، جلسه بیست و چهارم سیری در صحیفه سجاده، هفدهم شهریورماه ۱۳۹۴

۲۷. مانند: (حجر: ۵۱)، (ذاریات: ۲۴)، (ذاریات: ۲۵-۲۷)، (هود: ۶۹)،

(ذاریات: ۲۷-۲۸)، (هود: ۷۰)، (حجر: ۵۲)، (حجر: ۵۳)،

(صافات: ۱۲)، (ذاریات: ۲۸)، (ش: ۵۴)، (حجر: ۵۵-۵۶)،

(هود: ۷۱)، (ذاریات: ۲۹، ۳۰)، (هود: ۷۲)، (هود: ۷۳)، (مریم: ۴۹)،

(مریم: ۴۹؛ عنکبوت: ۲۷)، (انعام: ۸۴)، (انبیاء: ۷۲)، (انعام: ۸۴)،

(مریم: ۴۹-۵۰)، (صافات: ۱۱۳)، (هود: ۷۴)، (عنکبوت: ۳۱)،

(ذاریات: ۳۱-۳۴)، (حجر: ۵۷-۵۸)، (حجر: ۵۹-۶۰)، (هود: ۷۴-۷۵)

(۷۵)، (هود: ۷۶)، (عنکبوت: ۳۲)، (بقره: ۱۲۴)، (بقره: ۱۳۱-۱۳۲)،

(زخرف: ۲۸)، (بقره: ۱۳۳)، (یوسف: ۳۸)، (حدید: ۲۶؛

عنکبوت: ۲۷)، (حدید: ۲۶)، (صافات: ۱۱۳)، (مریم: ۵۸)،

طرح داستان حضرت ابراهیم (ع) (در قرآن کریم با تکیه بر نظریه پیرنگ لاری وای، مجله زبان و ادبیات عربی)، مجله ادبیات و علوم انسانی سابق (علمی پژوهشی)، ۱۷: ۱۵۷-۱۷۲.

Ahmadi, Babak (1998). Modernity and Critical Thought. Third Edition. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].

[احمدی، بابک. (۱۳۷۷). مدرنیته و اندیشه انتقادی. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.]

Al-Damdo, Kent (2010) Traditionalism: Religion in the Light of Immortal Philosophy, translated by Reza Korang Beheshti, Tehran: Hekmat. [In Persian].

[الدمدو، کنت. (۱۳۸۹). سنتگرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه رضا کورنگ بهشتی، تهران: حکمت.]

(انبیاء: ۷۳)، (آل عمران: ۳۳)، (نساء: ۵۴)، (آل عمران: ۶۷)، (انعام: ۱۶۱) (نحل: ۱۲۳، ۱۲۰)، (آل عمران: ۶۷)، (صافات: ۸۳)، (بقره: ۱۴۰)، (آل عمران: ۶۵)، (انعام: ۱۶۱)، (اعلی: ۱۴-۱۹)، (نجم: ۳۸-۵۵)، (مریم: ۴۱)، (شعراء: ۶۸)، (مریم: ۴۱)، (نحل: ۱۲۳)، (آل عمران: ۹۵)، (انعام: ۱۶۱)، (شوری: ۱۳)، (حج: ۷۸)، (بقره: ۱۳۵)، (آل عمران: ۶۸)، (نساء: ۱۲۵)، (آل عمران: ۹۵)، (بقره: ۱۳۵-۱۳۶)، (آل عمران: ۹۷)، (بقره: ۱۲۵)، (نحل: ۱۲۰)، (نحل: ۱۲۳، ۱۲۰)، (آل عمران: ۹۵، ۶۷)، (بقره: ۱۳۵)، (نساء: ۱۲۵)، (انعام: ۱۶۱)، (هود: ۷۵)، (توبه: ۱۱۴)، (نحل: ۱۲۱)، (مریم: ۴۱)، (نجم: ۳۷)، (شعراء: ۷۰)، (صافات: ۸۵)، (انعام: ۷۴)، (مریم: ۴۱-۴۸)، (توبه: ۱۱۴)، (بقره: ۲۵۸)، (صافات: ۱۰۸)، (نساء: ۱۲۵)، (بقره: ۲۵۸)، (صافات: ۱۰۸)، (نساء: ۱۲۵)، (مریم: ۵۸)، (نحل: ۱۲۱)، (بقره: ۱۳۰)، (حدید: ۲۶)، (نساء: ۱۶۳)، (صافات: ۱۱۳)، (بقره: ۱۲۴)، (یوسف: ۶)، (بقره: ۱۳۰)، (نحل: ۱۲۲)، (عنکبوت: ۲۷)، (ص: ۴۷-۴۶)، (بقره: ۱۳۱)، (احزاب: ۷)، (صافات: ۱۰۹، ۱۱۱)

۲۸. صافات آیات ۱۰۰ الی ۱۰۷

29. Concepts

30. Categories

۳۱. بقره ۱۷۰: می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم، مائده: ۱۰۴ می‌گویند: «آنچه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است!»، الشعراء ۷۲: گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند»، زخرف ۲۲: بلکه آن‌ها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.»

۳۲. اشعیا، ۴۴: ۲۰ و ۱۹

۳۳. امثال ۹: ۱۱

۳۴. امثال ۸: ۲۲

۳۵. امثال ۲: ۱۱

۳۶. لا فرق بینک و بینها الا انهم عبادک و خلقک

۳۷. آیت‌الله بهجت نیز در سخنرانی‌ها بر این موضوع تأکید کرده‌اند. مراجعه به کتاب «در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت (دوره سه جلدی)» ۱۳۸۸ مؤسسه فرهنگی سماء.

38. speculum dei

References

Quran Karim. [In Persian].

[قرآن کریم]

Nahj al-Balaghah, Sharif al-Radhi, Mohammad Ibn Hussein, (1999) Fourteenth Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].

[نهج البلاغه، شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین، (۱۳۷۸) چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.]

Abdi, Malik and Taheri, Yousef and Mahyaei, Najmeh. (2017). A Study of the Storytelling System of Prophet Ibrahim (AS) (in the Holy Quran Based on Larry Way's Theory, Journal of Arabic Language and Literature) (Scientific Research), 17: 157-172. [In Persian].

[عبدی، مالک و طاهری، یوسف و محیایی، نجمه. (۱۳۹۶). بررسی نظام



- Azarbayjani, Nafiseh (2011) Critical Thinking from the Perspective of Quran and Psychology, Master Thesis in Quran and Hadith, University of Isfahan, Faculty of Literature and Humanities, Department of Quran and Hadith. [In Persian].
- [آذربایجانی، نفیسه. (۱۳۹۰). تفکر انتقادی از منظر قرآن و روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث.]
- Bagheri, Khosrow (2003) The Identity of Religious Science, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. [In Persian].
- [باقری، خسرو. (۱۳۸۲). هویت علم دینی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.]
- Brunner, J. (1984). Critical thinking in teacher education: towards a demythologization, journal of teacher education, vol 40, no3, pp 14-19.
- Burkhardt, Titus (1372). Islamic Art of Language and Expression, translated by Masoud Rajabnia, Tehran: Soroush Publications. [In Persian].
- [بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۲). هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجبنیا، تهران: انتشارات سروش.]
- Charmaz, C. (1990), "Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory", Social Science and Medicine, Volume 30, Issue 11, 1990, Pages 1161-1172.
- Creswell, J. W. (2005), Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).
- Dehkhoda, Ali Akbar (unpublished) Dehkhoda Dictionary, Isfahan: Digital Publisher of Ghaemieh Computer Research Center. [In Persian].
- [دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). لغت‌نامه دهخدا، اصفهان: ناشر دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.]
- Dewey, John (1998) [1933]. How we think: a restatement of the relation of reflective thinking to the educative process. Boston: Houghton Mifflin. ISBN 0395897548. OCLC 38878663
- Facione, Peter A. (2011). "Critical Thinking: What It is and Why It Counts", Measured Reasons and The California Academic Press, Millbrae, CA
- Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza (Bita) Wafi, Tehran: Islamic Publications. [In Arabic].
- [فیض کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی. (بی‌تا). وافی، تهران: انتشارات اسلامیه.]
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad Muqri (1414) Al-Misbah Al-Munir fi Gharib Al-Sharh Al-Kabeer by Al-Rafi'i, Chap Dom, Qom: The publications of Dar Al-Hijrah. [In Arabic].
- [فیومی، احمد بن محمد مقری. (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم: انتشارات دار الهجره.]
- Fernández, Walter D. (2004), Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices. Electronic Journal of Business Research Methods, 2(2).
- Gervais, William & Norenzayan, Ara (2012), Analytic Thinking Promotes Religious Disbelief, Science, pp336-493: from www.sciencemag.org.
- Glaser, Barney.G & Strauss, Anselm L (1967), The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research, London: Aldine Publishing Company.
- Greenberg(1961) clement, "Modernist painting", Arts Yearbook 4, (unrevised)
- Greenberg. clement, "Modern And Postmodern", Arts Magazine, 54 (1980) 64-66, Sydney, Australia
- Halimi Jolodar, H., Patyar, E. (2016). Satisfying targeting in Education by Emphasis on Ibrahim Story in Quran. Quranic Knowledge Research, 5(19), 7-30. [In Persian].
- [حلیمی جلودار، حبیب‌اله و پاتیار، عزت‌اله. (۱۳۹۳). هدف‌شناسی اقناع در تربیت با تأکید بر داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، ۱۹: ۷-۳۰.]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa ibn Ja'far. 1398. Iqbal al-A'mal, twelfth edition, compiled and translated by Mohammad Rouhi, Qom: Samaqalam Publications. [In Persian].
- [ابن طاووس، علی‌بن‌موسی بن جعفر. (۱۳۹۸). اقبال الاعمال، چاپ دوازدهم، گردآوری و ترجمه محمد روحی، قم: انتشارات سماء‌علم.]
- Ibn Arabi, Mohi-ud-Din (1370) Fusus al-Hakam wa Naghsh al-Fusus, translated by Haidar Shojaei, Tehran. [In Persian].
- [ابن عربی، محی‌الدین. (۱۳۷۰). فصوص‌الحکم و نقش‌الفصوص، ترجمه حیدر شجاعی، تهران نشر شهر پدram]
- Isfahani Ragheb (1412) Vocabulary of Quranic words, research of Safwan Adnan Davoodi, Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic].
- [اصفہانی، راغب. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار الشامیه.]
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1414) Language of the Arabs, third edition, Beirut: Islamic Publications. [In Arabic].
- [ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: انتشارات اسلامیه.]
- Jacobs, Lovis(1995) The Jewish Religion , Oxford university Press.
- Jamali, Maryam (2014). The Influence of Critique of Judgment on Clement Greenberg's Formalism Theory. Journal of Visual and Applied Arts, 6(11): 35-52. doi: 10.30480/vaa.2014.245. [In Persian].
- [جمالی، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر نقد قوه بر نظریه فرمالیسم کلمنت گرینبرگ، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره ۶، ۵۱: ۳۵-۵۲]
- Javadi, Seyedeh Zohreh (2011) Comparison of the concept and components of critical thinking from the perspective of Western thinkers with the concept of thinking in the Qur'an and their educational implications in the field of religious education, Master Thesis, Shiraz University, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian].
- [جوادی، سیده زهره. (۱۳۹۰). مقایسه مفهوم و مؤلفه‌های تفکر انتقادی از دیدگاه متفکران غربی با مفهوم تفکر در قرآن و دلالت‌های تربیتی این دو در حوزه تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.]
- Kahlich, Luke C. (1983) Critical Thinking, Journal of Physical Education Recreation & Dance, 54(3):73-73, DOI: 10.1080/07303084.1983.10629542.]
- Kadivar, Mohsen and Tayebbeh Karami. (1384). The meanings of tradition from the point of view of traditionalists. Bi-Quarterly Articles and Reviews, 11, 20-35.
- [کدیور، محسن و طیبیه کرمی. (۱۳۸۴). معانی سنت از دیدگاه سنت‌گرایان. دو فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، ۱۱: ۲۰-۳۵.]
- Kazemi, Zahra (2013) A Study of the Principles of Critical Thinking in the Stories of the Holy Quran, Master Thesis, University of Holy Quran Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences and Technologies, Tehran.[In Persian].
- [کاظمی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی اصول تفکر انتقادی در داستان‌های قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.]
- Maghribi, Qadi Numan (1409) Explanation of the news on the virtues of the pure imams (peace be upon him), part 1, Qom, Islamic publication book. [In Arabic].
- [مغربی، قاضی نعمان. (۱۴۰۹). شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار (ع)، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی.]
- Makarem Shirazi, Nasser (1374) Tafsir Nomoneh, vol. 10,

- Tehran, Islamic Bookstore. [In Persian].
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- Marshall, H. James (1972) Critical Thought about the Esthetic and Art Education, National Art Education, Vol. 25, No. 5, pp. 15-18
- Martin, Patricia Y. & Turner, Barry A. (1986), Grounded Theory and Organizational Research, The Journal of Applied Behavioral Science, 22(2).
- Moore, Tim (2013) Critical thinking: seven definitions in search of a concept, Studies in Higher Education, 38:4, 506-522, DOI: 10.1080/03075079.2011.586995
- Morovati, Sohrab and Darabi, Fereshteh (2013) Theoretical Foundations of Islamic Awakening in the Holy Quran with an Approach to the Story of Prophet Ibrahim (AS) Bi-Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies, Second Year, No. 3: 79-100. [In Persian].
- مروتی، سهراب و دارابی، فرشته. (۱۳۹۲). مبانی نظری بیداری اسلامی در قرآن کریم با رویکردی بر قصه حضرت ابراهیم (ع) دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، ۳: ۷۹-۱۰۰.
- Myers, Chat (2007), Teaching Critical Thinking, translated by Khodayar Abili, Tehran, Samat Publications. [In Persian].
- مایرز، چت. (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران، انتشارات سمت.
- Nahj al-Balaghah, Sharif al-Radhi, Mohammad Ibn Hussein, (1999) Fourteenth Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- إنهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Nass, John. B (1975) Comprehensive History of Religions, translated by Ali Asghar Hekmat, third edition, Tehran: Pirooz Publications. [In Persian].
- اناس، جان. بی. (۱۳۵۴). تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ سوم، تهران: انتشارات پیروز.
- Nasr, Seyed Hossein (2012) Religion and the order of nature, translated by Insha'Allah Rahmati, sixth edition, Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian].
- انصر، سید حسین. (۱۳۹۱). دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- Nasr, Seyed Hossein (2012) Knowledge and the Holy Order, translated by Farzad Haji Mirzaei, fourth edition, Tehran: Farzan Rooz. [In Persian].
- انصر، سید حسین. (۱۳۹۱). معرفت و امر قدسی، مترجم فرزاد حاجی میرزایی، چاپ چهارم، تهران: فرزاد روز.
- Nasr, Seyed Hossein (2003) The Need for Holy Science, Hassan Taha Miandari, Second Edition, Tehran: Bahar. [In Persian].
- انصر، سید حسین. (۱۳۸۲). نیاز به علم مقدس، حسن طه میانداری، چاپ دوم، تهران: بهار.
- Neuman, Lawrence (1977) Social research mehod: Qualitative and Quantitative approaches, 3d. ed. Boston: allyn and Bacon Publication.
- Pazouki, Shahram, (2002), The Impact of Descartes' Thought on the Emergence of New Art Theories, Quarterly Journal of the Academy of Arts, No. 8 (pp. 103-104) [In Persian].
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۱). تأثیر تفکر دکارت در ظهور نظریات جدید هنری، فصلنامه فرهنگستان هنر، ۸: ۱۰۳-۱۰۴.
- Pennycook, Gordon, Cheyne, James Allan, Barr, Nathaniel, Koehler, Derek J, Fugelsang, Jonathan A (2013), Cognitive style and religiosity: The role of conflict detection, Psychonomic Society, Inc.
- Powel, R (1999) Recent trends in research: a methodological essay, Library and Information science Research, Vol. 21 No. 1, PP91-119
- Rajaei, Mohammad Ali (2006) The level of servitude from the perspective of Quran and Sunnah, Master Thesis, Qom: Higher School of Jurisprudence and Islamic Studies. [In Persian].
- رجائی، محمدعلی. (۱۳۸۵). مراتب بندگی از دیدگاه قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.
- Rezaei Haftader, Hassan and Valizadeh, Morteza (1397) Critical analysis of the views of orientalists in the interpretation of the prophets (Noah, Ibrahim (AS), Moses) in the Qur'an, Journal of Interpretive Studies, No. 24, (145-164) . [In Persian].
- رضایی هفتادر، حسن و ولیزاده، مرتضی. (۱۳۹۷). تحلیل انتقادی آرای خاورپژوهان در تفسیر انبیای اولوالعزم (نوح، ابراهیم (ع)، موسی) در قرآن، نشریه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، ۲۴: ۱۴۵-۱۶۴.
- Rikhtegaran, Mohammad Reza (2002) Philosophy of Traditional Arts and Its Theoretical Foundations, Book of the Month of Art, Nos. 45 and 46, from pages (12 to 17) . [In Persian].
- ریخته گران، محمدرضا. (۱۳۸۱). فلسفه هنرهای سنتی و مبانی نظری آن، کتاب ماه هنر، ۴۵ و ۴۶: ۱۲-۱۷.
- Razmyar, Soroush, L. Reeve, Charlie (2013), Individual differences in religiosity as a function of cognitive ability and cognitive style. Intelligence, No 41 , September ,pp: 667-673.
- Scott, Robert B.Y (1996) Wisdom in Encycloaedia Judaica, V.16, (Jerusalem 1978- 1982)
- Tabarsi, Fadl bin Hassan (1377) Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Farahani publications. [In Arabic].
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
- Shahrour Muhammad (1990) The Qur'an and the Book, Contemporary Reading, Damascus: Al-Ahali for printing, publishing and distribution. [In Arabic].
- شحرور محمد. (۱۹۹۰). القرآن و الكتاب قراءة معاصرة، دمشق: الاهالی للطباعة و النشر و التوزيع.
- Shahrour Muhammad (1994) The State and Society, Damascus: Al-Ahali for printing, publishing and distribution. [In Arabic].
- شحرور، محمد. (۱۹۹۴). الدولة و المجتمع، دمشق: الاهالی للطباعة و النشر و التوزيع.
- Taheri, Mohammad Hossein (2009) Ibrahim (AS) and his family in the Torah and the Qur'an, Journal of Religious Knowledge, first year, first issue, 185-221 . [In Persian].
- طاهری، محمدحسین. (۱۳۸۸). ابراهیم (ع) و خاندانش در تورات و قرآن، نشریه معرفت ادیان، سال اول، ۱: ۱۸۵-۲۲۱.
- Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1375) Bahrain Complex, third edition, Tehran: Mortazavi Library. [In Arabic].
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مکتبه المرتضویه.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1369) Mesbah al-Muttahid, Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence. [In Arabic].
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۶۹). مصباح المتهجد، بیروت: موسسه فقه الشیعه.
- Walters , Kerry S. (1994). Re-Thinking Reason: New Perspectives in Critical Thinking. SUNY Press. ISBN 978-0-7914-2095-9.